

بررسی رویکرد قرآن کریم به مجازات



دکتر مهدی هادوی تهرانی^۱

مجید معتضدی^۲

چکیده

در عرصه کیفر، سیاست جنایی حاکم بر نظام قضایی اسلامی، باید مبتنی بر آموزه‌های کیفری اسلامی باشد. از این رو، بررسی قرآن به عنوان مهم‌ترین منبع وحیانی اسلام و پی‌جویی پرسش‌های بنیادین مربوط به مجازات، همچون چیستی، چرایی، چگونگی و میزان مجازات در قرآن ضروری می‌نماید. البته مفهوم مجازات در قرآن، فراسوی مجازات‌های تشریحی (همه مجازات‌های دنیوی اعم از تشریحی، تکوینی طبیعی و تکوینی غیرطبیعی و اخروی) را نیز در بر می‌گیرد و مجازات‌ها، صرفاً ضمانت اجرای برقراری روابط سالم بین

۱- مجتهد علوم حوزوی، دکترای علوم اسلامی

نشانی الکترونیکی: hadavi@hadavi.info

۲- کارشناس ارشد معارف اسلامی و حقوق

نشانی الکترونیکی: fkarshenas@yahoo.com

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۴/۱۵

* تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۹/۶/۶

انسان‌ها نیست، بلکه فراتر از آن، روابط بین خداوند و انسان را نیز شامل می‌شود. با توجه به آزادی اراده و اختیار انسان در افعال خویش، قرآن بر هدف سزادهی، تأکید فراوانی دارد؛ هدفی که در سیاست کیفری نظام‌های حقوقی کلاسیک، تحت الشعاع دیگر اهداف اصلاح طلبانه قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: قرآن، جرم، مجازات، مسئولیت، سزادهی

مقدمه

امروزه یکی از دغدغه‌ها و موضوعات بحث انگیز حقوق کیفری، اعمال مجازات، به خصوص مجازات‌های بدنی و سنتی بر مجرمان است که در این زمینه، نظرات گوناگون و مختلفی مطرح شده است. یکی از مهم‌ترین دغدغه‌ها و کشمکش‌های ذهنی موجود، اعمال و یا عدم اعمال مجازات‌های کیفری و به ویژه مجازات‌های بدنی مطروحه از سوی قرآن بوده است. در جوامع غربی، راهبرد و سیاست جنایی نظام قضایی، مبتنی بر نظریات متفکران و حقوقدانان این کشورها است و عقاید و باورهای اندیشمندان این کشورها در زمینه تعریف و توجیه کیفر و گستره اعمال آن، مبنای شکل‌گیری قوانین و مقررات حقوقی و قضایی آن‌هاست. بر همین اساس، در قرن اخیر، سیاست کیفری کشورهای غربی، همواره در جهت تخفیف یا کاهش مجازات‌های بدنی و جسمانی بر مجرمان بوده است.

از سوی دیگر، در کشور ما به عنوان کشوری اسلامی با حکومتی دین‌مدار، هدف حکومت برپا ساختن احکام و دستورات شریعت اسلام است. لذا ایجاد دستگاه قضایی که تعقیب کننده جهان بینی حاکم بر فضای این کشور باشد، ضروری می‌نماید. در این راستا، قرآن به عنوان منبع اصلی و خدشه‌ناپذیر وحی، نقش اساسی و کلیدی را بر عهده دارد. حال، بررسی این متن و حیانی از وجه کیفری برای دستیابی به تعریف و توجیه مجازات و اهداف و حدود و ثغور اعمال آن، ما را در ایجاد یک سیاست کیفری اسلامی که تأمین کننده مطالبات شارع مقدس باشد، رهنمون می‌سازد.

هدف این تحقیق آن است که بتوانیم در راستای پی‌ریزی یک نظام قضایی و کیفری که نه مبتنی بر تفکرات و آراء غربی، بلکه برگرفته از شرع مقدس اسلام باشد، گامی کوچک برداریم و با بررسی مفهوم کیفر و اهداف آن در بطن مقدس قرآن، به غنای تفکر جزایی اسلام و ساختار ماهوی آن بیفزاییم. این نوشتار به لحاظ موضوعی در عرصه فلسفه حقوق کیفری قرار می‌گیرد.

نوشتار حاضر درصدد آن است تا با بررسی نص قرآن، پرسش‌های بنیادین ذیل را پاسخ گوید:

- ۱- کیفر چیست؟ (چیستی کیفر و قواعد حاکم بر آن) (what) ۲- چه کسانی مستحق کیفرند؟ (مجازات در مورد چه کسانی و با چه شرایطی اعمال می‌شود؟) (who) ۳- هدف از اعمال کیفر؟ (فلسفه اعمال کیفر) (why) ۴- مجازات به چه میزان باشد؟ (how much).

نکته اساسی لازم به تذکر این است که آنچه به عنوان دیدگاه قرآن مطرح می‌شود، فراتر از مباحثی است که در فقه و حقوق جزایی مدون اسلامی در مورد مجازات‌های تشریحی

بیان می‌شود. به عبارت دیگر، در فقه و حقوق کیفری اسلام، مجازات‌هایی طرح می‌شود که عامل اجرای آن، حکومت‌های بشری الهی و یا خود مجرمان هستند و در کتب فقهی در مبحث قضاء در قالب دسته بندی حدود، قصاص، دیات و تعزیرات بررسی می‌شود، لیکن هدف ما دستیابی به طرز تلقی قرآن نسبت به مفهوم کلی مجازات و عذاب است و بر این پایه، مجازات در معنای فراگیر آن، اعم از تشریحی، تکوینی، دنیوی و اخروی را بیان کرده‌ایم. البته دسته بندی مذکور مبتنی بر استنباط شخصی است و نقد و بررسی و مذاقه فزونتری را خواهان است.

در این نوشتار برآنیم تا با بررسی و تبیین متن قرآن به عنوان اولین و معتبرترین منبع جزای اسلامی، به عقیده شارع مقدس و پروردگار تمام آفریده‌ها، در خصوص چیستی امر عقوبت و مجازات و نیز چرایی، چگونگی، میزان و مستحق مجازات پی ببریم. اما در ابتدا سه مفهوم بنیادین «مسئولیت»، «جرم» و «مجازات» را که همواره به هم گره خورده‌اند، از نظرگاه قرآن بررسی می‌نماییم.

مفهوم شناسی

۱. مسئولیت

یکی از پرسش‌های بنیادین که همواره به هنگام سخن از موضوع مجازات رخ می‌نماید، این است که آیا انسانی که قرار است در معرض مجازات قرار گیرد، در انجام کردار خویش قدرت انتخاب و تصمیم‌گیری دارد؛ یعنی آیا دارای تعقل و تفکر است و اعمال و افعال او آزادانه و مبتنی بر اندیشه‌اش می‌باشد، یا آنکه صرفاً یا اغلب متأثر از عوامل ژنتیکی، محیطی و خانوادگی است و شخصیت انسان تنها منعکس‌کننده معلول آن عوامل است و نقشی منفعلانه را داراست؟

نفس امر و نهی کردن انسان از سوی خداوند در قرآن، دلیل بر داشتن اختیار و آزادی اوست. از نظرگاه قرآن، شخصیت انسان، سرای پیکار و کشمکش دو عامل درونی است که هرکدام انسان را به یکی از دو مسیر خیر و شر رهنمون می‌کند. نفس اماره به عنوان یک محرک درونی، انسان را همواره به سوی طغیان و نافرمانی از احکام پروردگار و فطرت الهی امر می‌کند، چنان که یوسف (ع) پس از آشکار شدن حقیقت ماجرای میان خود و زلیخا، به نفس اماره اشاره می‌کند که سوق دهنده به سوی زشتی‌ها است. (یوسف، ۵۳) در مقابل، نفس لوامه انسان را به خاطر ارتکاب اعمال ناپسند مورد ملامت و سرزنش قرار می‌دهد.



(قیامت، ۲)

از دیگر سو، در عالم بیرون دو عامل خارجی نیز هر کدام انسان را به سوی حق و باطل راهبرند؛ خداوند با فرستادن پیامبران و اولیای خویش به سوی انسان‌ها، آن‌ها را به سوی سعادت حقیقی (سعادت‌تی که در پرتو عبودیت و پرستش خداوند و فرمانبرداری از دستورات او محقق می‌شود) دعوت می‌نماید. در مقابل آن، پس از آنکه شیطان کبر ورزید، از امر خداوند سرپیچید و بر آدم (ع) سجده نکرد و از درگاه خداوند رانده شد، از خداوند تا روز قیامت مهلت خواست و خاطر نشان ساخت که همین کس که بر من برتری‌اش دادی [و فرمان دادی که بر او سجده کنم]، اگر مرا تا روز قیامت باز پس داری [و مهلت دهی]، همهٔ زاد و رود او جز اندکی را از راه به در برم و [به سوی گمراهی و زشتی و نافرمانی] کشانم. خداوند نیز به شیطان مهلت داد و به وی خطاب نمود که برو، که هرکس از ایشان از تو پیروی کند، جهنم جزای شما خواهد بود که جزایی بسنده است و هرکس را توانی از ایشان به بانگ خویش از جای ببر و سوارگان و پیادگان را بر سر ایشان بتاز و با آنان در اموال و اولاد شریک شو و به آنان وعده [های رنگین] بده؛ و شیطان وعده‌ای جز فریب به آنان نمی‌دهد. (حجر، ۴۳ - ۲۶)، (ص، ۸۵ - ۷۱)

بدینگونه خداوند با فراهم آوردن مقدمات، می‌خواهد به واسطهٔ شیطان، انسان را بیازماید؛ یعنی باز این انسان است که مخاطب دو عامل بیرونی؛ یعنی پیامبران الهی و ابلیس خواهد بود تا پس از شنیدن ندای هر دو در وجدان خویش، با عقل و اندیشه به بررسی این وعده‌ها بپردازد و آزادانه و با تصمیم و انتخاب خویش یکی را برگزیند. چنین است که انسان می‌تواند محل آزمایش الهی قرار گیرد.

به طور کلی، در بینش قرآنی، انسان، موجودی اندیشمند و متفکر و با اراده است که با اختیار و آزادی معین و مشخصی آفریده شده (مراد، همان اختیار و آزادی متعارف و معمول انسان‌هاست) و به میزان همین اختیار و آزادی، مسئول اعمال و رفتار خویش است و مورد بازخواست قرار می‌گیرد؛ یعنی اگر چه انسان در ارتکاب اعمال خویش تحت تأثیر عواملی همچون خانواده و محیط و عوامل زیست‌شناختی و ژنتیکی نیز قرار دارد ولی در نهایت این خویشتن حقیقی انسان است که تصمیم می‌گیرد و در بین گزینه‌های مختلفی که پیش روی اوست، یکی را انتخاب می‌کند.

۲. جرم

جرم در لغت به معنای قطع کردن است و به طور استعاره، برای هر کسب و کار زشت و

مکروه به کار می‌رود. (راغب اصفهانی، ۹۱) قرآن؛ تعریفی مشخص از جرم ارائه نداده، لیکن کلمه جرم و مشتقات آن بیش از ۶۰ مرتبه در قرآن آمده است. (سپهری، ۱۴) با توجه به معنای لغوی جرم و آنچه از آیات قرآن استنباط می‌شود، می‌توان نتیجه گرفت که جرم و جریمه در لغت به ارتکاب کارهای زشت و ناپسند و مخالف حق و باطل گفته می‌شود. (سپهری، ۶۷) در معنای اصطلاحی نیز، بر اساس بینش قرآنی، جرم، هرگونه کردار، گفتار یا پنداری است که با اوامر و نواهی کتاب و سنت (و نیز اجماع و عقل) مخالف باشد.

مفاهیم کفر، شرک، ظلم، تکذیب و انکار خداوند، پیامبر و آیات الهی از جمله مفاهیمی هستند که به طور گسترده در قرآن برای تبیین مفهوم جرم به کار برده شده و نقشی کلیدی دارند، مثلاً آیه ۶۶ سوره «توبه»، خطاب به منافقانی که خداوند و آیات قرآن و پیامبر اکرم را مورد استهزاء قرار می‌دهند، می‌فرماید:

«عذر و بهانه نیاورید. به راستی که پس از ایمانتان کافر شده‌اید؛ اگر گروهی از شما را ببخشیم، گروهی را عذاب می‌کنیم؛ چرا که مجرم بوده‌اند». (توبه، ۶۶)

از نظرگاه قرآن، جرم تمام حوزه‌ها و ابعاد مختلف کرداری، گفتاری و حتی پنداری انسان را هم فرا می‌گیرد، چنان که در آیه ۲۲۵ سوره «بقره» آمده است:

«خداوند از شما در سوگندهای بیهوده و [بی اختیار] بازخواست نمی‌کند ولی در آنچه بر آن دل می‌نهدید، [سوگندهای آگاهانه] بازخواست می‌کند و خداوند آمرزندهٔ بردبار است». (توبه، ۲۲۵)

طبق برخی اقوال مفسران در مورد این آیه، اگر کسی به گمان اینکه سخن او راست است، سوگند بخورد و بعد بفهمد که آنچه گفته و به صحت آن سوگند خورده، دروغ بوده است، چنین شخصی به این سوگند دروغین عقاب نمی‌شود و کفاره‌ای بر او نیست و سوگند لغو همین است. (طبرسی، ۳۱۵/۲)

بر این اساس، قرآن شرط بازخواست انسان در قبال اعمال نهی شده را تعدد در انجام آن و سوء نیت در پندار آدمی بیان می‌کند.

در این معنا، جرم، هم بر روابط بین انسان‌ها و هم بر روابط بین انسان و خدا نظر دارد. مثلاً در آیه ۹۳ سوره «نساء» کشتن عمدی مؤمن مستوجب جزای جهنم می‌شود (ناظر بر روابط بین انسان‌ها) و در آیه ۲۲ سوره «سجده» شخصی که از آیات الهی رویگردان می‌شود، از جمله مجرمان به شمار می‌رود. در آیه ۱۲۴ سوره «انعام» نیز عدم ایمان عده‌ای به پیامبران الهی را جرم تلقی نموده و به مجرمان وعدهٔ عذاب شدید داده است. (ناظر بر روابط بین خدا و انسان).



از این نگاه، جرم، نه مفهومی نسبی، بلکه در تمام زمان‌ها و مکان‌ها مفهومی یکسان و یگانه را داراست.

۳. مجازات

مجازات از ریشه «جزی» و به معنای پاداش نیک یا بد است. (معلوف، ۱۹۲/۱) طبق آیات قرآن، تعریفی کلی که دربر دارنده همه گونه مجازات‌های بد و ناگوار شود، عبارت از «تحمیل عمدی شری بر مجرم در مقابل مخالفت وی با اوامر و دستورات الهی از سوی خداوند و یا جان‌شینان یا عوامل وی» است. در همین راستا، آیات ۴۰ و ۴۱ «سوره اعراف» ناظر بر کسانانی است که به واسطه تکذیب آیات الهی و استکبار، مستوجب بازنشدن درهای آسمان و قرار گرفتن در بسترها و بالاپوش‌هایی از جهنم شده‌اند.

نخست: اهداف مجازات

اجرای مجازات‌ها دو مبنای عمده و کلی؛ یعنی تأمین امنیت جامعه و تنظیم روابط افراد با یکدیگر و نیز فراسوی آن تنظیم روابط انسان با خداوند را در نظر دارد. اهداف اعمال مجازات نیز بر پایه این دو مینا شکل می‌گیرد. در این گفتار برآنیم که به بررسی اهداف مجازات بپردازیم. اما پیش از تبیین این اهداف، نکته دیگر این است که پس از اعلام اجرای مجازات‌های معین در صورت ارتکاب جرایم مشخص و ابلاغ آن‌ها به مردم، برخی از اهداف مجازات‌ها به صرف همین اعلام و ابلاغ برآورده می‌شود، لیکن حصول برخی اهداف دیگر، مبتنی بر اجرای مجازات‌ها است. این امر در نظام‌های کیفری کلاسیک نیز مورد توجه است. لیکن تفاوت در این زمینه آن است که در نظام‌های کیفری کلاسیک تمام مجازات‌های اعلامی، در همین دنیا قابلیت اجرا دارد ولی در قرآن از مجازات‌هایی سخن به میان آمده است که اجرای آن‌ها به دنیای پس از مرگ و روز قیامت وابسته است. حال، بر اساس تفکیک مجازات‌های قابل اجرا در همین جهان از مجازات‌هایی که طی زندگی دنیوی قابل اجرا نیستند و اجرایشان منوط به عبور از دنیای فانی به دنیای باقی است (مجازات‌های اخروی)، به تبیین اهداف مجازات‌ها می‌پردازیم:

الف) هدف مجازات در مقام بیان؛ ارباب و تهدید

نص قرآن در آیات فراوان، از عقاب‌ها و مجازات‌هایی خبر می‌دهد که به خاطر نقض احکام

و دستورات الهی در جهان پس از مرگ و روز قیامت بر انسان اعمال می‌شود. در واقع، هدف از بیان چنین عذاب‌هایی، ارعاب و ترساندن انسان‌ها (و اجنه) است تا آن‌ها را از ارتکاب جرم (و به بیان دینی گناه) بازدارد. در این موارد، قرآن به وسیلهٔ اعلام مجازات‌ها، قصد انصراف مجرمان بالقوه از ارتکاب جرایم را دارد.

خداوند از طریق نص قرآن، گاه با مخاطب قرار دادن مستقیم بندگان خویش و به کار بردن مفاهیمی همچون ارهاب (بقره، ۴۰)، تقوی (آل عمران، ۱۳۱)، انذار (لیل، ۱۴)، حذر (نور، ۶۳)، خوف (ابراهیم، ۱۴) و گاهی از زبان پیامبران الهی (اعراف، ۵۹) و یا با دستور دادن به پیامبران مبنی بر ترساندن مردم از قیامت (انعام، ۵۱) و نیز با اسلوب دیگر درصدد تحقق این هدف می‌باشد.

ب) هدف مجازات در مقام اجرا

قرآن در کنار مجازات‌های اخروی، از عقوبت‌ها و مجازات‌های دیگری سخن می‌راند که طی زندگی انسان در همین جهان بر وی اعمال می‌شود. بررسی آیات قرآن به ما می‌نمایاند که در تحمیل مجازات‌ها، هدف‌های مختلف و گوناگونی مورد نظر می‌باشد، لیکن هدف نهایی و اساسی که نه در عرض دیگر هدف‌ها، بلکه در طول دیگر اهداف باید آن را جستجو کرد، برقراری عدالت و قسط است. تأمین عدالت و قسط، نه تنها هدف بنیادین مجازات‌ها، بلکه پایه و اساس نظام حقوقی اسلام است؛ و به طور کلی، تمام قوانین و از جمله مقررات کیفری و مجازات‌ها، در پی برپایی عدالت و قسط هستند.

در قرآن، آیاتی به این امر اشاره می‌کند. از جمله در مورد برقراری عدالت، خداوند خطاب به پیامبر (ص) می‌فرماید: «... و بگو به هر کتابی که خداوند فرستاده است، ایمان آورده‌ام و دستور یافته‌ام که میان شما به عدالت حکم کنم ...». (شوری، ۱۵) خطاب به عموم افراد نیز می‌فرماید: «... و چون بین مردم حاکم می‌شوید، به عدالت حکم نمایید...» (نساء، ۵۸). در مورد برقراری قسط نیز خداوند بیان می‌فرماید: «به راستی که پیامبرانمان را همراه با پدیده‌های روشن‌گر فرستادیم و همراه آنان کتاب آسمانی و سنجه (ترازو) فرو فرستادیم تا مردم به دادگری برخیزند...» (حدید، ۲۵).

در ادامه، به تبیین اهداف مجازات از نظرگاه قرآن می‌پردازیم:

۱. سزادهی مقید

از بررسی آیات قرآن نیز چنین استنباط می‌شود که اعمال مجازات بر مجرم، باید بر اساس



جرم ارتكابی در گذشته باشد؛ یعنی جرمی واقع شده باشد و سپس مجازات به خاطر وقوع جرم بر مجرم اعمال شود. قرآن، بارها به داستان حضرت موسی (ع) اشاره کرده است که به دستور خداوند، مأمور شد تا فرعون، فرمانروای عصر خویش را به خداپرستی دعوت نماید ولی فرعون و بزرگان قومش کبر ورزیدند و وجود خداوند و رسالت موسی (ع) را انکار نمودند و آنگاه به کیفر گناهشان؛ یعنی همین تکذیب و کفر ورزیدن و مخالفت با فرمان الهی، در دریا غرق و هلاک شدند. (مؤمنون، ۴۸ و انفال، ۵۲ و ۵۴)

البته این امر، بدان معنا نیست که هدف مجازات نیز صرفاً به گذشته مربوط شود. بلکه در عین اعمال مجازات به خاطر جرم ارتكابی در گذشته، باید به نتایج حاصل از آن در آینده نیز توجه نمود. به عنوان مثال قرآن می‌فرماید: «آیا در زمین سیر و سفر نکرده‌اند که بنگرند سرانجام کسانی که پیش از ایشان بودند، چگونه بوده است. آنان از ایشان در روی زمین پرتوان و پراثرتر بوده‌اند که خداوند آنان را به کیفر گناهشان فرو گرفت و در برابر خداوند نگهدارنده‌ای نداشتند. این از آن بود که پیامبرانشان برای ایشان معجزات می‌آوردند ولی ایشان انکار می‌کردند، آن‌گاه خداوند فروگرفتشان که او توانای سخت کیفر است» (غافر، ۲۲ - ۲۱).

پرسش صدر این آیه مبین یادآوری سرگذشت مزبور در راستای جنبه‌ی بازدارندگی مخاطب و نگاه به آینده است.

گفتنی است هم چنان که پیروان نگرش سزادهی مدعی هستند که عدالت بر استحقاق مجرم به تحمل مجازات در اثر جرم ارتكابی مبتنی است و نفس مجازات نمودن مجرم، برقراری عدالت کیفری است و عدالت کیفری، نظم مختل شده را احیا می‌کند و با مجازات شبیه به بزه، تعادل را در جامعه برقرار می‌کند (خسرو شاهی، ۳۷ و ژان پرادل، ۲۰) اگر ما نیز مفهوم مضیقی از عدالت را در نظر آوریم و آن را در چنبره‌ی مفهوم سزادهی معنا نماییم، از این زاویه دید، عدالت، مترادف و هم معنای سزادهی است؛ و گستره‌ی شمول مصداقی هر دو را باید یکی دانست.

اما اگر مفهوم عدالت را فراتر از معنای سزادهی بدانیم - که حق هم چنین است - و سزادهی را تنها مصداقی از برقراری عدالت و البته بارزترین و نمایان‌ترین مصداق آن بدانیم، در این صورت هم چنان که پیش‌تر یادآور شدیم، دیگر اهداف مجازات همچون بازدارندگی، اصلاح و تربیت، حفظ نظام اجتماعی و... نیز هر کدام به نوعی در پی برقراری تعادل و توازن فردی یا جمعی و تجلی مفهوم عدل - در معنای لغوی عدالت - و قرار دادن

همه چیز در جایگاه حقیقی خویش هستند.

بررسی آیات قرآن می‌نمایاند که هدف سزادهی، جایگاهی سترگ در فلسفه و چرایی اعمال مجازات دارد که مبتنی بر ارتکاب کردار و اعمال گذشته انسان‌ها است؛ افعالی که از نظر خداوند گناه و جرم به شمار می‌رود. بسیاری از آیات با اشاره به عذاب‌های اخروی و عذاب‌های دنیوی که بر مجرمان اعمال می‌شوند، این‌گونه مجازات‌ها را به خاطر ارتکاب کردار، رفتار و اعمال مجرمانه شخص در گذشته می‌داند (نظیر آیه ۱۷ سوره «فصلت» در توصیف عذاب قوم ثمود به خاطر کار و کردارشان)؛ خواه این‌گونه مجازات‌ها از نوع مجازات‌های تکوینی یا اخروی باشد که به وسیله غیر انسان (خداوند یا واسطه‌های ماوراء طبیعی او) اجرا می‌شود (سبا، ۱۷ - ۱۵ و نمل، ۹۰) و خواه از نوع مجازات‌های تشریحی باشد که به وسیله خود انسان‌ها (حکومت‌های دینی یا مجریان آن‌ها) بر شخص مجرم اجرا می‌شود و یا مجری آن خود شخص مجرم است. (بقره، ۱۹۴ و ۹ - ۱۷۸ و مائده، ۴۵)

بنابراین، سزادهی بارزترین وجهه تحقق عدالت و قسط است که مدنظر قرآن است. لیکن هدف از اعمال مجازات، تنها بدین مورد منحصر نمی‌شود، بلکه حسب شاهد مثال ذکر شده، از نظرگاه قرآن، در اعمال مجازات‌ها باید رو به سوی آینده نیز داشت و در پی هدف‌های دیگری بود که اعمال مجازات به تحقق آن‌ها کمک نماید و مؤثر باشد.

۲. بازدارندگی

یکی از اهداف مجازات آن است که مجازات از ارتکاب جرم و گناه جلوگیری نماید، خواه سبب جلوگیری از ارتکاب دوباره جرم در آینده به وسیله خود مجرم شود (بازدارندگی خاص) و خواه دیگران را از ارتکاب جرم و گناه بازدارد (بازدارندگی عام). این کارکرد مجازات را «عبرت آموزی» نیز می‌نامند؛ چرا که اعمال مجازات بر مجرم، عبرتی برای خود وی و دیگران است تا از بیم آن، از جرم و گناه بپرهیزند و به تعبیر قرآن، تقوا پیشه کنند.

در قرآن نیز کلمه «عبرت» در اشاره به همین هدف مجازات آمده است؛ آن‌جا که قرآن سرگذشت موسی (ع) و مأموریت وی از طرف خدا را بیان می‌کند که به سوی فرعون طغیانگر برود و او را به خداپرستی دعوت کند، اما پس از آن که فرعون خداوند و رسالت موسی (ع) را انکار و ادعای خدایی می‌کند، خداوند او را به عقوبت گناهانش فرو می‌گیرد. قرآن پس از نقل این داستان بیان می‌فرماید که «بی‌گمان در این، برای هر کس که خشیت داشته باشد، عبرتی است» (نازعات، ۲۶). قرآن همچنین در جای دیگر پس از نقل سرگذشت کافران اهل



کتاب (یهودیان بنی نظیر) که به خاطر مخالفت با امر خداوند و پیامبرش محمد (ص) مجبور شدند به عنوان مجازات و عذاب، از خانه و کاشانه‌شان آواره شوند و بیشتر اموالشان را از دست بدهند، بیان می‌کند: «... پس ای دیده وران عبرت بگیرید» (حشر، ۲) به طور کلی، قرآن به هر دو جنبهٔ بازدارندگی عام (یونس، ۹۲) و بازدارندگی خاص (روم، ۴۱) توجه فراوانی دارد و با به کارگیری اسلوب‌ها و شیوه‌های گفتاری در آیات مختلف، درصدد دستیابی به این هدف است.

۳. اصلاح و تزکیه

قرآن تنها در پی آن نیست تا به نوعی بازدارندگی بیرونی و ظاهری دست یابد و مخاطبینش صرفاً به خاطر ترس از عقاب و مجازات از ارتکاب جرم و گناه بپرهیزند، بلکه بر آن است تا آن‌ها را به مقامی راه برد که به طور ذاتی و درونی نیز هیچ تمایل و کششی به سوی باطل و ناراستی نداشته باشند؛ یعنی به سوی همان جایگاه و حقیقت وجودی و طبیعت اولیه و اصیل خویش باز روند و فطرت الهی را که بر وفق آن آفریده شده‌اند، دریابند. این مقام، همان مقام خلیفهٔ الهی است که خداوند آن را به پویندگان حقیقی عطا می‌نماید. در این خصوص نیز به چند آیه اشاره می‌نماییم:

«و هیچ پیامبری به هیچ شهری نفرستادیم، مگر آنکه اهل آن را به تنگدستی و ناخوشی دچار ساختیم تا زاری و خاکساری کنند». (اعراف، ۹۴)

«و به راستی پیش از تو [پیامبرانی] به سوی امت‌ها [ی پیشین] فرستادیم و آنان را به تنگدستی و ناخوشی دچار ساختیم تا زاری و [خاکساری] نمایند». (انعام، ۴۲)

«و ایشان (بنی اسرائیل) را به صورت امت‌هایی در آن سرزمین تقسیم کردیم؛ بعضی از ایشان صالح و درستکارند و بعضی جز آن؛ و آنان را به خوشی‌ها و ناخوشی‌ها بیازمودیم. باشد که ایشان [به راه حق] بازگردند». (اعراف، ۱۶۸)

این حالت زاری و خاکساری، همان درک جوهرهٔ عبودیت است. همان مقامی که زمانی، انسان آن را دارا بوده است و حال که بدین جهان هبوط نموده است و از جایگاه حقیقی خویش دور شده است، بر اوست که دیگر بار به سوی آن جا جهت گیرد و به آن جا بازگردد. از این رو است که خداوند با مبتلا کردن انسان به عقاب‌ها و مصیبت‌ها خواهان آن است که وی را بیدار نماید و به خود آورد، شاید که هشیار گردد و به آموختن پرواز همت گمارد و به سوی آشیانهٔ راستین خویش پر گشاید و رجوع نماید.

پس چنان که پیداست، بازسازی‌گری و اصلاح در این معنا با هدف بازسازی‌گری متداول در حقوق جزا متفاوت است؛ زیرا در نظام کیفری کلاسیک، آنچه مورد نظر است، صرفاً تلاش در جهت تعدیل روابط انسان‌ها و سازگاری شخصیت افراد مجرم با هنجارها و قوانین حاکم بر جامعه است، ولی در بینش قرآنی، مفهوم اصلاح، فراسوی رابطه انسان با جامعه، بر رابطه انسان با خداوند نیز سایه می‌افکند، بلکه اصالت را به رابطه اخیر می‌دهد. به تعبیر امام علی (ع) اصلاح رابطه آفریدگان در گرو اصلاح رابطه شخص با آفریدگار است. (دستی، حکمت ۸۹)

۴. تکفیر جرم و گناه

یکی از آثار و اهداف مجازات‌های اسلامی، علاوه بر تهذیب و اصلاح مجرم، تکفیر و زدودن گناه است؛ یعنی مجازات مجرم، علاوه بر هوشیاری وی در اهتمام به پالایش و اصلاح درون، محو و زدودن آثار بیرونی و خارجی و گناه می‌باشد. «تکفیر» را به لحاظ لغوی به معنای پوشاندن و پنهان کردن گناه دانسته‌اند، به طوری که گویا اصلاً گناهی واقع نشده است. (طباطبائی، ۱۴۴/۶) از این رو، در بینش قرآنی، کسی که به دلیل ارتکاب جرم، در این عالم مجازات شود، در عالم دیگر برای ارتکاب این عمل مجازات نخواهد شد، چنان که در بعضی از تعابیر آمده است: خداوند، کریم‌تر از آن است که کسی را دو بار برای انجام عملی مجازات نماید. البته باید گفت رهایی از عقوبت اخروی، علاوه بر عقوبت دنیوی، مستلزم توبه و اصلاح واقعی شخص نیز می‌باشد.

به طور کلی آیات بسیاری تکفیر گناهان را، در صورت توبه و ایمان به خدا و نیکوکاری و انجام عمل صالح وعده می‌دهند. لیکن تعدادی از آیات وقتی درباره ارتکاب برخی جرایم سخن می‌رانند، تحمل برخی رنج‌ها و سختی‌ها را - علاوه بر توبه و اصلاح راستین - شرط تکفیر آن جرایم و گناهان می‌دانند.

خداوند در مورد جرم شکستن سوگندهای آگاهانه می‌فرماید:

«... کفاره [شکستن] آن اطعام ده بینوا است از میانگین آنچه به خانواده خود می‌خورانید، یا لباس پوشاندن آنان، یا آزاد کردن یک برده؛ و هر کس که [این‌ها را] نیابد، بر او است که سه روز روزه بگیرد؛ این کفاره سوگندهای شماس است که می‌خورید [و می‌شکنید]...» (مائده، ۸۹). در جای دیگر قرآن کفاره را سبب تطهیر و تزکیه می‌داند:

«و دیگرانی هستند که به گناهان خویش اعتراف کرده‌اند و کار شایسته را با کار دیگر



که ناشایسته است، آمیخته‌اند، باشد که خداوند از آنان درگذرد؛ چرا که خداوند آمرزندهٔ مهربان است. از اموال ایشان کفاره‌ای بگیر که بدان پاکیزه و پیراسته‌شان می‌کنی...» (توبه، ۱۰۳ - ۱۰۲).

۵. حفظ نظام اجتماعی

ارتکاب جرم و گناه در واقع روابط تمام افراد جامعه را دستخوش ناامنی و بی‌نظمی می‌کند و موجب گستاخی دیگر افراد شرور و رواج جرم و جنایت در تمام جامعه شده، قبح و زشتی عمل مجرمانه را از بین می‌برد. این جا است که برخورد صریح و قاطعانه با بزهکاران و اجرای مجازات‌های عادلانه، از گسستگی و فروپاشی امنیت و آرامش اجتماع جلوگیری می‌نماید و موجب احیای سلامت و بهبود روابط اعضای جامعه می‌شود. بر همین اساس است که قرآن در خصوص «قصاص» می‌فرماید:

«و ای خردمندان، شما را در قصاص، زندگانی [نهفته] است...» (بقره، ۱۷۹).

برخی مفسران در بیان مفاد این آیه بیان می‌کنند: «مراد از آن که در قصاص حیات است؛ یعنی پیش از اسلام به جای یک مرد ده یا کم‌تر و بیش‌تر به گزاف می‌کشتند ولی با وضع قصاص به عوض یک نفس بیش‌تر از یک نفس را نکشند». (ابوالفتوح رازی، ۳۳۱/۲)

همچنین در جای دیگر، جلوگیری از تباهی و فساد در جامعه را مستلزم اعمال مجازات و جزای کردار مجرمانهٔ افراد می‌داند:

«به خاطر کار و کردار مردم، تباهی و فساد در خشکی و دریا نمودار شده است تا [خداوند] جزای بخشی از کار و کردارشان را به آنان بچشاند، باشد که بازگردند [و به خود آیند]» (روم، ۴۱).

گفتنی است، طبق نقلی از مفسران، مراد از فساد، نیامدن باران است؛ زیرا وقتی که باران نیارد، در بیابان نبات نروید و در دریا جانوران نابود شوند. (کاشانی، ۲۱۱/۷)

۶. توان‌گیری

در بینش قرآنی، آنگاه که دیگر امیدی به اصلاح مجرم و یا حداقل بازداشتن وی از ارتکاب جرم و گناه به واسطهٔ ارباب و تهدید نباشد و یا مهلت وی در پرهیز از ارتکاب جرم و گناه به پایان رسد، باید با سلب قدرت فیزیکی وی، به طور کامل و یا سلب برخی از توانایی‌های او [با توجه به نوع و میزان جرم ارتکابی]، از ارتکاب مجدد جرم توسط مجرم

مزبور جلوگیری نمود.

آیاتی که از عذاب و مجازات اقوام و افراد ستم پیشه سخن می گوید، به این هدف نیز اشاره دارد؛ زیرا آنان، اقوام و افرادی بودند که پیامبران الهی با دعوت آن‌ها به خداپرستی و پیروی از دستورات الهی درصدد اصلاح و تزکیه‌شان بودند. لیکن آن اقوام و افراد به هشدارها و تهدیدهای پیامبران توجه ننمودند و در مهلتی که به آنان داده شد، بیم دهی و مزده دهی، آنان را از سرکشی و اعمال مجرمانه بازداشت، اینجاست که تنها راه بازدارندگی، نابودی آن‌ها است.

پس از آنکه حضرت نوح (ع) مدتی نزدیک به هزارسال قوم خویش را به خدا پرستی دعوت می نماید و با تکذیب و کفران آن‌ها روبرو می شود، در نهایت دست به دعا برداشته، قوم خویش را نفرین می کند و نابودی آن‌ها را از خداوند می خواهد. (قمر، ۱۰). نابودی دیگر اقوام همچون قوم عاد، ثمود، لوط، مدین و فرعون و... نیز پس از ناامیدی خداوند و پیامبران الهی به عدم اصلاح و تزکیه آن‌ها بود.

در مورد افرادی همچون قارون و سامری نیز عذاب الهی چه بسا جنبه توان گیری نیز داشت و پس از تهدید و هشدار آنان و ناامیدی در بازگشت آن‌ها به راست کرداری، خداوند با هلاکت قارون و مبتلا نمودن سامری به بیماری لا علاج و سخت، از ارتکاب مجدد جرم توسط آن‌ها در آینده جلوگیری نمود. (قصص، ۸۱ و طه، ۹۷)

در مورد مجازات‌های تشریعی همچون قتل و قطع دست (در جرم سرقت)، نیز یکی از راه‌آوردهای این گونه مجازات‌ها، توان گیری است. البته در قتل، توان گیری در معنای کامل آن تجلی می یابد. لیکن در جرم سرقت، به دلیل منع سارق از ارتکاب مجدد جرم سرقت، انگشتان دست او قطع می شود تا بدین طریق وی از ارتکاب جرم بازداشته شود. دستور خداوند به حبس زنان زناکار در خانه، مجازاتی است که جنبه توان گیری نیز دارد. (نساء، ۱۵)

۷. جبران خسارت مادی

یکی دیگر از کارکردهای مجازات، جبران زیان‌ها و خسارت‌های مادی ناشی از جرم است که بر فرد بزه دیده وارد می شود. این کار ویژه، به خصوص در جرایم غیرعمدی، همچون قتل و ضرب و جرح تجلی می یابد. در جرایم عمدی نیز هنگامی که شخصی بر دیگری جراحت و آسیب وارد می نماید، بنابر اصل «قصاص»، مقابله به مثل در صورتی می تواند



اجرا شود که امکان آن وجود داشته باشد و بتوان دقیقاً همان میزان جراحی را که بر بزه دیده وارد شده است، بر شخص جانی وارد نمود؛ و احتمال اینکه میزان زیان ناشی از مقابله به مثل از میزان جرم ارتكابی فزونی یابد، نباشد. در غیر این صورت، از مقابله به مثل جلوگیری می‌شود و شخص جانی محکوم به پرداخت وجه مالی است که میزان آن با نوع و میزان آسیب مادی بر بزه دیده متناسب می‌باشد. (قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، کتاب سوم: قصاص، ماده ۲۷۷)

در فقه و حقوق اسلامی، نهادی به نام «دیه» مطرح است که بر اساس تعریف قانون مجازات اسلامی عبارت از مالی است که به سبب جنایت بر نفس یا عضو به بزه دیده یا به ولی یا اولیاء دم او داده می‌شود. در واقع، دیه همان جبران خسارت مادی ناشی از جرم ارتكابی است. نص قرآن صریحاً به مسئله «دیه» اشاره نموده است:

«... و هر کس که مؤمنی را به خطا بکشد، بر اوست که [به کفاره] برده مؤمنی را آزاد کند و خونبهای (دیه) به خانواده او بدهد... و اگر [مقتول] مؤمن و از قومی باشد که بین شما و ایشان پیمانی هست، آن گاه [قاتل] باید خونبهای به خانواده او [مقتول] بپردازد...». (نساء، ۹۲)

در هر صورت، اگر دیه را نه الزام مدنی، بلکه مجازات قلمداد نماییم، به ویژه با توجه به اینکه در اکثر جنایات شبه عمد، جانی غیر از پرداخت دیه الزام دیگری ندارد. (اردبیلی، ۲/ ۱۵۳)، می‌توان یکی از کارکردهای مجازات را جبران خسارت مادی ناشی از جرم ارتكابی دانست.

دوم: مستحق، چگونگی و میزان مجازات

الف) مستحق مجازات

پرسش بنیادین دیگری که به گاه اندیشه ورزی در زوایای مجازات رخ می‌نماید، سؤال از مستحق مجازات است؛ اینکه از نظرگاه قرآن مجازات به چه طیفی اعمال می‌شود و قرآن چه موجوداتی را و با چه شرایطی سزاوار مجازات می‌داند.

با بررسی نص قرآن بر ما نمایان می‌شود که از یک سو مجازات بر فردی اعمال می‌شود که بتوان بر او مسئولیت را بار نمود؛ یعنی کسانی که شرایطی همچون عقل، بلوغ، اختیار و اراده، عدم اضطرار و عدم جهل به قانون را دارا باشند. البته در مورد شرط عقل، گفتنی است که امروزه دیگر از مسئولیت (در معنای مضیق آن؛ یعنی دارا بودن عقل و قدرت

تفکر)، مفهومی جامد و مطلق فرض نمی‌شود، بلکه مسئولیت، امری نسبی و دارای مراتب است و چه بسا از عبارات قرآنی همچون «لَا يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا»؛ خداوند هیچ کس را جز به اندازه توانش تکلیف نمی‌کند». (بقره، ۲۸۶) و «لَا يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا»؛ خداوند بر هیچ کس جز بر وفق آنچه به او داده است، تکلیف نمی‌کند» (طلاق، ۷) بتوان چنین برداشتی نیز نمود. میزان فهم و درک و شعور و در یک کلام عقل افراد متفاوت است و میزان مسئولیت شخص، مبتنی بر میزان عقل او می‌باشد. شرط استحقاق مجازات نیز دارا بودن میزان خاصی از مسئولیت است؛ یعنی به حدی که مجرم هنگام ارتکاب جرم، قدرت تشخیص مجرمانه بودن آن عمل را داشته باشد.

از سوی دیگر، شرط سزاواری اعمال مجازات بر شخص صاحب مسئولیت، ارتکاب جرم و گناه از سوی اوست؛ یعنی گرچه بینش قرآنی در اعمال مجازات، ضمن تأکید بر سزادهی، به نتایج و ره‌آوردهای مجازات نیز توجه دارد، اما قائل نیست که ما به خاطر دستیابی به نتایج مورد نظر و مطلوب خویش حتی افراد بیگناه و بزه ناکرده را فدای مصالح عموم جامعه نموده، آن‌ها را مجازات کنیم.

در قرآن، هر جا که از اعمال مجازات و عقوبت و عذاب، در دنیا یا آخرت سخن می‌گوید، دلیل و علت اعمال مجازات را مجرم بودن و ظلم و کفر ورزیدن افراد می‌داند. آیات بسیاری به تحمیل مجازات بر مجرمان و کافران و ظالمان اشاره و با بیانات مختلف بدین امر تأکید می‌کند:

«همانا هر کس مجرم به نزد پروردگارش بیاید، جهنم نصیب اوست که در آن نه می‌میرد و نه زنده می‌ماند» (طه، ۷۴). «و به راستی اقوامی پیش از شما را، آنگاه که ستم پیشه کردند، نابود کردیم... بدینسان مجرمان را جزا می‌دهیم» (یونس، ۱۳).

مسئله دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد، این است که بر اساس نگرش قرآنی، تنها انسان‌ها نیستند که مسئولیت و در نتیجه اعمال پاداش یا مجازات بر آن‌ها بار می‌شود. بلکه قرآن از هشدار و مجازات موجودات دیگری همچون جن و ابلیس و شیاطین دیگر سخن به میان آورده است. البته بیان قرآن در مورد آن‌ها مبهم و کلی است. بدین جهت نمی‌توان چندان به ماهیت و خصوصیات آن‌ها پرداخت. در اینجا برخی از آیاتی را که به مجازات آن‌ها اشاره نموده است، بیان می‌کنیم:

«و به راستی بسیاری از جن و انس را برای دوزخ آفریده ایم...» (اعراف، ۱۷۹).
«وعدۀ پروردگارت [چنین] سرانجام گرفته است که جهنم را از جن و انس جملگی آکنده



خواهم ساخت» (هود، ۱۱۹).

«و چنین بود که گروهی از جن را متوجه تو ساختیم که به قرآن گوش سپردند و چون نزد او حضور یافتند، گفتند خاموش باشید [و گوش دهید]؛ و چون سپری شد، هشدارگر به سوی قومشان بازگشتند» (احقاف، ۲۹).

«روزی که همه آنان را [در محشر] گرد آورد [و فرماید] ای گروه جن به راستی که بسیاری از انسان‌ها را از راه به در بردید... فرماید آتش دوزخ جایگاه شماسست که جاودانه در آنید...» (انعام، ۱۲۸).

ب) چگونگی مجازات

گفتیم که بر اساس بینش قرآنی، خداوند برای کسی که به جرم و گناه مرتکب شود، مجازات‌هایی را مقرر فرموده است، اما پرسش دیگری که در این رابطه مطرح می‌شود، سؤال از ماهیت مجازات‌ها است؛ یعنی خداوند در اعمال مجازات بر انسان مجرم و گناهکار، چه شیوه‌ها و روش‌هایی را اتخاذ نموده است؟ در ادامه مطالب مربوط به انواع و اقسام مجازات در قرآن را در یک قالب کلی دسته بندی نموده‌ایم. دسته نخست، مجازات‌های دنیوی که خود به سه دسته تقسیم می‌شوند: ۱. مجازات‌های تشریحی، ۲. مجازات‌های تکوینی طبیعی، ۳. مجازات‌های تکوینی غیرطبیعی و دسته دوم مجازات‌های اخروی است که پس از مرگ انسان بر او تحمیل می‌شود. آیات زیادی به توصیف نحوه اجرای مجازات‌های مزبور پرداخته‌اند. در ادامه به تبیین دسته بندی مذکور و بررسی انواع مجازات‌ها می‌پردازیم:

اول؛ مجازات‌های دنیوی

مقصود از مجازات‌های دنیوی، عقاب‌ها، بلاها و مجازات‌هایی است که در همین دنیا و طی زندگی محدود و موقت در آن، بر مجرم تحمیل می‌شود، اما چنان که گفتیم، خود مجازات‌های این جهانی نیز بر اساس سنت‌ها و شیوه‌های مختلف اجرا می‌شود که ما به بیان اقسام آن می‌پردازیم:

۱. مجازات‌های تشریحی

مراد از مجازات‌های تشریحی در اینجا، مجازات‌هایی است که اعمال و اجرای آن‌ها از سوی خداوند به خود انسان‌ها (و یا دیگر مخاطبان قرآن) واگذار شده است؛ خواه خود اشخاص خطاکار، به انجام آن‌ها مکلف باشند و خواه متصدیان اجرای آن‌ها، حاکمان الهی

و متصدیان اجرای دستورات الهی بر اشخاص مجرم و گناهکار باشند. مصادیق مجازات‌های تشریحی اعم از مجازات‌هایی هستند که در فقه و حقوق مدون اسلامی تحت عنوان باب قضاء (حدود، قصاص، دیات و تعزیرات) و دیگر ابواب فقهی مطرح و دسته بندی شده‌اند و نیز مجازات‌های دیگری که مربوط به زمان و مکان خاصی بوده‌اند و جهان شمول نیستند.

۲. مجازات‌های تکوینی طبیعی

مقصود از مجازات‌های تکوینی طبیعی، مجازات‌هایی است که مجری آن دیگر خود مجرمان و گناهکاران و یا حاکمان الهی منتسب به خداوند نیستند و میزان و نوع آن نیز به طور دقیق مشخص نشده است و زمان، مکان و میزان آن بر شخص مجرم و گناهکار معلوم نیست. مراد از «تکوینی» بودن این جرایم نیز همین است؛ یعنی عقوبات و بلاهایی که در کون و ذات عالم هستی تعبیه شده است و مجرمان و گناهکاران را به واسطه جرایم و گناهانشان، به چالش می‌کشاند. مراد از «طبیعی» بودن این مجازات‌ها نیز آن است که شیوه اعمال این مجازات‌ها کاملاً برطبق نظام علت و معلولی طبیعت است و چه بسا فرد مجرم به مجازات بودن رنجی که بر او تحمیل می‌شود، آگاه نیست و آن را امری عادی و محصول و نتیجه علل و عوامل طبیعی جهان می‌پندارد. لیکن بر اساس بینش قرآنی، تمام مصیبت‌ها و حوادث ناگواری که به طور طبیعی بر شخص واقع می‌شود، پیامد اعمال و رفتار مجرمانه و گناه آلود خود اوست؛ و نظام علت و معلولی طبیعت صرفاً ساز و کار و طرق اعمال درد و رنج و مجازات بر مجرم است: «وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ...»؛ و هر مصیبتی که به شما می‌رسد، از کار و کردار خودتان است» (شوری، ۳۰).

البته روشن است که گرچه وسیله تحمیل عقوبت‌ها، نظام اسباب و علل طبیعی و عادی است، همه وقایع عالم به اذن الهی و در واقع از سوی اوست:

«مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ...»؛ هیچ مصیبتی [به کسی] نرسد، مگر به اذن الهی...» (تغابن، ۱۱). ماهیت مجازات‌های تکوینی طبیعی می‌تواند عقوبت‌های مادی و یا روحی و یا معنوی باشد و اکثر مجرمان و گناهکاران از مجازات گونه بودن محرومیت‌ها و مصیبت‌ها، به دلیل ظاهر و شکل طبیعی آن‌ها که در لباس اسباب و علل طبیعی تجلی می‌یابند، غافل و بی‌خبرند.

۳. مجازات‌های تکوینی غیرطبیعی

مراد از «غیر طبیعی» بودن برخی مجازات‌ها آن است که برخلاف مجازات‌های تکوینی طبیعی که از مجاری طبیعی و براساس نظام علت و معلولی بر مجرمان و گناهکاران تحمیل می‌شود، این مجازات‌ها از طریق اسباب و عواملی فراسوی علت و اسباب طبیعی، فرو فرستاده می‌شوند؛ یعنی دیگر این گونه مجازات‌ها و عقاب‌ها به چشم افراد مجرم و گناه کار، معمول و متداول نمی‌نماید و نمی‌توان آن‌ها را محصول وقایع عادی و طبیعی دانست، بلکه بلا و عقاب بودن آن‌ها آشکار و واضح است و به محض فرو فرستاده شدن آن‌ها، مجرمان و گناهکاران سزاگونه بودن این مجازات‌ها را در می‌یابند و چه بسا از اعمال و کردار گذشته خویش پشیمان می‌شوند که البته اغلب، این پشیمانی سودی ندارد و بیشتر این قسم مجازات‌ها هلاکت ابدی را در پی دارد و انسان را از تجارتخانه و معبر دنیایی به سرای دیگر روانه می‌کند.

در اینجا به برخی از مجازات‌های مذکور که در آیات قرآن انعکاس یافته است، اشاره می‌کنیم:

«بگو آیا از کسانی که در نزد خداوند از این هم بدسرانجام ترند، آگاهتان کنم؟ [اینان] کسانی هستند که خداوند لعنتشان کرده و بر آنان خشم گرفته و طاغوت را پرستیده‌اند و [خداوند] آنان را [همچون] بوزینه و خوک گردانده است. اینان بد منصب تر و از راه راست [از همه] گمگشته ترند» (مائده، ۶۰).

«و بیگمان یونس از پیامبران بود. آن گاه که به سوی کشتی گرانبار گریخت. پس با آنان قرعه انداخت و او بیرون انداختنی شد و ماهی [بزرگ/ نهنگ] او را فرو بلعید و او در خور ملامت بود و اگر از تسبیح گویان نبود، در شکم آن تا روزی که مردمان برانگیخته شوند، به سر می‌برد» (صافات، ۱۴۴ - ۱۳۹).

دوم؛ مجازات‌های اخروی

علاوه بر مجازات‌ها و عقوبت‌های دنیوی، قرآن به کرات از مجازات‌های اخروی سخن رانده است و آن‌ها را عذاب‌هایی بسیار دردناک و زجرآور معرفی نموده است. در روز قیامت پس از محاکمه مجرمان و گناهکاران و جدا کردن آنان از افراد صالح و نیکوکار، به دوزخ برده می‌شوند و در آن جا به صورت‌های مختلف مجازات می‌شوند.

بنابر آیات قرآن، مجازات‌ها و عقوبت‌های تحمیلی بر انسان، متفاوت و گونه و دارای مراتب و درجات مختلفند. برخی مجازات‌ها همچون دخول فرد در آتش جهنم و نوشیدن آب

جوشان و... جسمانی هستند و برخی دیگر همچون عدم ملاقات مجرمان با خدا، سخن نگفتن خداوند با مجرمان، عدم رضایت و غضب خداوند نسبت به مجرمان و... جنبه روحی و معنوی دارند. «پس چگونه باشد حالشان آن گاه که فرشتگان جانشان را بگیرند، درحالی که چهره‌ها و پشت‌هایشان را فرو کوبند؟» (محمد، ۲۷).

«کسانی که بخشی از کتاب فرو فرستاده خداوند را پنهان می‌کنند و آن را به بهای ناچیز می‌فروشند، جز آتش در درون خویش نمی‌انبارند و خداوند در روز قیامت با آنان سخن نمی‌گوید و پاکیزه‌شان نمی‌دارد و عذابی دردناک [در پیش] دارند» (بقره، ۱۷۴).

نکته‌ای که در خصوص مجازات‌های اخروی لازم به ذکر است، بحثی است که با عنوان «تجسم اعمال» بین مفسران و علمای اسلامی مطرح است. برخی از آیات قرآن، مجازات‌ها و عذاب‌های اخروی را طوری مطرح نموده‌اند که گویی این عذاب‌ها زاینده و مخلوق اعمال مجرمانه و عینیت یافتن ذات و ماهیت حقیقی جرایم هستند و مثلاً به ناحق خوردن مال یتیم یا گرفتن ربا را فرو بردن آتش در شکم دانسته‌اند. عده‌ای این عبارات را نوعی استعاره و مجاز می‌دانند. اما عده‌ای دیگر نظیر علامه طباطبائی اینگونه آیات را بر مبنای حقیقت دانسته‌اند و نه مجاز؛ یعنی این آیات دلالت بر تجسم اعمال می‌کند و به محض اینکه در این دنیا شخص مجرم به ارتکاب عمل مجرمانه مبادرت می‌نماید، عمل وی در عالم واقع به صورت عذاب و مجازات مجسم می‌شود. علامه طباطبائی، با استناد به این آیه که «هنگام نفخ صور به انسان و یا دیگر مخاطبان قرآن گفته می‌شود» به راستی که از این امر غافل بودی و حال پرهات را از تو بر طرف ساختیم و امروز دیده‌ات تیزبین است؛ «لَقَدْ كُنْتُ فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ» (ق، ۲۲)، آن را تأیید بر «تجسم اعمال» می‌داند. (طباطبائی، ۱/ ۱۴۴)

ج) میزان مجازات

۱. مجازات‌های دنیوی

قرآن در مجازات مجرم، بر مسئله رعایت عدل و قسط تأکید می‌کند. از چشم انداز قرآن، تمام مجازات‌هایی که بر مجرم و گناهکار اعمال می‌شود خواه مجازات‌های دنیوی و خواه مجازات‌های اخروی مبتنی بر عدل و قسط است. از این رو، بی‌تردید مفهوم عدل، علاوه بر مستحق مجازات، نوع مجازات و دیگر مسائل مربوط به آن، میزان مجازات را نیز دربردارد. در مورد مجازات‌هایی که متصدی اجرای آنها، خود مجرمان و یا حاکمان الهی هستند



مجازات‌های تشریحی، قرآن میزان مجازات‌ها را معین و مشخص نموده و آن‌گاه که از مخاطبان قرآن، اجرای عدالت و قسط را مطالبه می‌کند، مقصودش رعایت همان مجازات‌های تشریحی است:

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ...»؛ به راستی خداوند به عدل... فرمان می‌دهد» (نحل، ۹۰).
«... وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ...»؛ و چون بین مردم داوری می‌کنید، به عدالت داوری کنید...» (نساء ۵۸).

«فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ»؛ آن‌گاه میان آنان را به عدالت اصلاح نمایید [و سازش دهید] و به داد بکوشید که خداوند دادگران را دوست دارد» (حجرات، ۹).

حال، اگر در اجرای مجازات‌های تشریحی، امکان قصاص باشد؛ یعنی نوع مجازات و میزان آن، مشخص بوده، با نوع و میزان جرم ارتكابی مماثلت و همسانی داشته باشد، مفهوم عدالت برای ما ملموس و پذیرفتنی است. لیکن پرسش این‌جا است که در آن قسم از مجازات‌های تشریحی که امکان قصاص وجود ندارد و خداوند مجازات خاصی را تعیین نموده است (مثلاً مجازات صد ضربه تازیانه برای زناکار یا مجازات قطع انگشتان دست برای سارق)، ملاک تعیین نوع و میزان مجازات چیست؟ به نظر می‌رسد، خداوند با توجه به میزان زشتی و تجاوزی که در ذات عمل مجرمانه نهفته است، میزان مجازات‌ها را مقرر فرموده؛ یعنی بی‌تردید، خداوند در تشریح مجازات‌ها، بر اساس حکمت و عدالت عمل نموده است. لیکن از آن‌جا که معرفت و درک ما محدود و عاریتی است، نمی‌توانیم به حکمت و فلسفه آن‌ها پی ببریم. البته هم‌چنان که عقل ما نیز بدان حکم می‌کند، عدالت خداوند مستلزم آن است که جزای بدی، بدی باشد و «سیئة» با جزای «سیئة» مماثلت داشته باشد؛ یعنی اگر کسی عمل زشتی انجام دهد، عملی که دارای صفت زشتی باشد، جزای او عملی است که او را بدحال و گرفتار کند و مجرم هرگز نباید طمع نیکی داشته باشد.

در خصوص مجازات‌های تکوینی طبیعی و غیرطبیعی نیز باید اظهار داشت که گرچه میزان و نوع آن‌ها برای انسان معلوم و مشخص نیست، اما از آن‌جا که خداوند، عادل و حکیم مطلق است، چگونگی و میزان این‌گونه مجازات‌ها نیز بر حکمت و عدالت او مبتنی است و همواره خداوند به حق حکم می‌کند.

در مجموع می‌توان گفت که مجازات‌های تشریحی مذکور در قرآن، در مقایسه با مجازات‌های مطرح در حقوق جزای کلاسیک به عنوان مجازات‌های جدی و خشن شناخته می‌شود که درد و رنج جسمانی و روحی بیشتری را بر مجرم یا گناهکار وارد می‌آورد. در خصوص

مجازات‌های تکوینی طبیعی و غیرطبیعی نیز باید خاطر نشان ساخت که میزان این گونه مجازات‌ها بسته به نوع و میزان جرم ارتكابی متفاوت و از گستردگی بسیاری برخوردار است. چه بسا با توجه به عمق زشتی و حرمت نهفته در عمل مجرمانه، عقاب‌ها و مجازات‌های تحمیل شده به خاطر آن، از شدت و جدیت زیادی برخوردار باشد.

۲. مجازات‌های اخروی

در تبیین میزان مجازات‌های اخروی باید به صفات و خصایص روز قیامت توجه داشت. از جمله این خصوصیات، حالتی است که قرآن بدان اشاره نموده است: «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا...»؛ «و سراسر عرصه محشر به نور پروردگارش درخشان گردد...» (زمر، ۶۹).

علامه طباطبائی در تفسیر این عبارت می‌نویسد: در این روز پرده‌ها کنار می‌رود و حقیقت اشیاء و واقعیت اعمال از قبیل خیر و شر، اطاعت یا معصیت، حق یا باطل ظهور و بروز می‌کند، به طوری که ناظران، حقیقت هر عملی را می‌بینند؛ زیرا اشراق هر چیزی عبارت است از ظهور آن به وسیله نور؛ و این هم جای شک نیست که ظهور دهنده آن روز خدای سبحان است؛ زیرا غیر از خدا هر سبب دیگری در آن روز از سببیت ساقط است. پس اشیاء در آن روز با نوری که از خدای تعالی کسب کرده‌اند، روشن می‌شوند. (طباطبائی، ۱۷/۴۴۷) پس بنابر آیه مذکور و بنابر آیاتی که دلالت بر تجسم اعمال دارند، در روز قیامت، جزای اعمال هر صاحب عملی، خود اعمال او است و دیگر با چنین جزایی تصور ظلم ممکن نیست.

نکته دیگری که در مورد میزان مجازات‌ها باید یادآور شد، مسئله «خلود در آتش» است که آیات متعددی بدان اشاره کرده‌اند. برخی مفسران کلمه «خلود» را به معنای «مکث طولانی» دانسته‌اند و معتقدند که بالاخره زمانی مجازات مجرمان به پایان می‌رسد، اما برخی دیگر از مفسران، آن را به معنای «جاودانگی در آتش» می‌دانند و معتقدند که مجازات بعضی از مجرمان همیشگی خواهد بود. (طباطبائی، ۹/۱ - ۶۲۲)

در مجموع باید اظهار داشت که میزان مجازات در قیامت و سرای آخرت، با ملاک‌های مادی و این جهانی قابل درک و اندازه‌گیری نیست. در واقع از آن جا که جرایم ارتكابی در رابطه‌ای تجلی می‌یابند که یکسوی آن موجودی است که از او عهد و پیمان‌های محکم و شدید مبتنی بر پیروی از دستورات الهی گرفته شده و در طول زندگی دنیوی او نیز، با آمدن پیام آوران الهی و هدایت مخاطبان قرآن به هدف نهایی (عبادت و شناخت خداوند)، حجت بر وی تمام شده است و در سوی دیگر رابطه نیز آفریدگاری سترگ و بی‌همتا،



حکیمی مقتدر، قادری متعال و انتقام گیرنده‌ای شکست ناپذیر قرار دارد، در این حال، هر نوع حرمت شکنی، تجاوز، سرکشی، پرده دری و تخلف از دستوراتش، از چنان زشتی و وقاحتی برخوردار است که مجازات‌های شدید و عقوبت‌های جانسوز و مشقت بار و زجرآور اخروی را توجیه می‌کند. پس میزان و شدت مجازات‌های اخروی نسبت به مجازات‌های دنیوی، قابل مقایسه نیستند و درک آن‌ها از محدوده ادراک حسی و مادی ما خارج است.

نتیجه گیری

نگرش قرآن در خصوص ماهیت مجازات و چرایی و چگونگی به کارگیری این سازوکار، تفاوت آشکاری با رویکرد نظام‌های کیفری کلاسیک غربی دارد. در رویکرد قرآنی، مجازات‌ها صرفاً ضمانت برقراری روابط سالم بین انسان‌ها نیست، بلکه فراتر از آن، روابط خداوند و انسان و مولا و عبد را نیز در بر می‌گیرد. در خصوص روابط انسان‌ها، شارع مقدس اسلام و نازل کننده قرآن، تنها هدف یگانه‌ای را مد نظر ندارد، بلکه از اعمال مجازات‌های مختلف، اهداف گوناگون و گاه همزمان را اراده می‌کند. این اهداف در برخی موارد با اهداف احصاء شده از سوی کارگزاران و اندیشمندان نظام کیفری کلاسیک همخوانی دارد. از سوی دیگر اعمال مجازات‌ها مترصد اهداف دیگری است که فراتر از دغدغه‌های زمینی و این‌جهانی، حکمت‌های دیگری را در آغوش دارد؛ حکمت‌هایی که با اعتقاد به جهان آخرت و واپسین روز جزا جلوه می‌نماید.

قانونگذار، عامل و مجری اصلی مجازات‌ها در واقع خداوند است که تنها اجرا و نظارت بخشی از قوانین (قوانین تشریعی) و اعمال مجازات‌ها بر ناقضان آن‌ها را به برگزیدگان خویش در میان آدمیان یعنی انبیاء و اولیای الهی و یا به خود افراد مجرم و گناهکار تفویض نموده است تا با برقراری عدل و قسط در روی زمین، هدف بنیادین خلقت که همانا رسیدن به مقام عبودیت و شناخت و لقای پروردگار است، نائل شوند. لیکن مجازات‌ها و عقوبات صرفاً محدود به همین مجازات‌های تشریعی نیست. عقوبات و مجازات‌های دیگری نیز هست که در صورت نقض احکام و قوانین ابلاغ شده به انسان‌ها، عامل اجرای آن‌ها دیگر انسان‌ها نیستند، بلکه این عقوبات و کیفرها به وسیله عوامل و دیگر کارگزاران منتسب به خداوند همچون ملائکه بر انسان‌ها بار می‌شود.

همچنان که مفهوم مجازات و چرایی و چگونگی آن در قرآن، عمق و وسعتی بس افزون‌تر از مفهوم متعارفی دارد که نظام حقوقی کلاسیک به دست می‌دهد، مستحق مجازات نیز تنها انسان نیست، بلکه در قرآن سخن از عقاب موجودات دیگر همچون شیاطین است. جهان توصیف شده در قرآن تنها همین دنیای مادی و حوادث و رخدادها نیز صرفاً همین حوادث و رخدادهای عینی و ظاهری ایجاد شده در اطراف ما نیست. نظام قوانین تشریعی و حتی نظام قوانین علت و معلولی مادی تنها بخشی از سنن و قوانین حاکم بر این دنیای عظیم و لایتناهی است.

در زمینه پرسش از میزان مجازات نیز قرآن تنها به میزان مجازات‌های تشریعی نپرداخته،



بلکه کمیت و مقدار دیگر شیوه‌های عقوبات و بلا یا را نیز به صورت کلی و مبهم بیان کرده است. در خصوص میزان مجازات‌ها چه تشریحی و چه غیرتشریحی نه ممکن است و نه قرآن خواسته که دغدغه برابری دقیق عینی و مادی را که در ذهن اندیشه ورزان و کارگزاران نظام کیفری کلاسیک است، دنبال کند. روشن است که تنها میزان بخشی از مجازات‌های تشریحی را می‌توان همسنگ و همسان میزان ضرر وارد آمده از جرم قرار داد. اما مسلم آن است که در بیان قرآن، مقدار و میزان مجازات‌های تحمیل شده بر بشر کاملاً با عدل و حکمت خداوندی انطباق و همخوانی دارد.

نکته پایانی آنکه مطالبی که در خصوص چیسستی جرم و مجازات و نیز چرایی، چگونگی، عامل، مستحق و میزان مجازات به عنوان دیدگاه قرآن بیان می‌شود، بر تمام دوران‌ها و روزگاران، از ابتدای عالم خلقت تا زمان حاضر حاکم، ساری و جاری است. البته ممکن است که حسب تفاوت شرایط و اوضاع اجتماعی روزگاران مختلف، در جزئیات قوانین و احکام فرستاده شده بر جوامع مختلف، تفاوت‌هایی وجود داشته باشد، اما جوهره اصلی تمام ادیان، هدف یگانه‌ای را دنبال می‌نماید. به همین جهت است که قرآن کریم اجرای احکام جزایی را که بر قوم بنی اسرائیل واجب دانسته است، به عنوان یک حکم جزایی لازم الاتباع برای مسلمانان مطرح نموده است (مائده، ۳۲).

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمشهای، انتشارات دارالثقلین، چاپ اول
۲. نهج البلاغه، محمد دشتی (مترجم)، قم، انتشارات مشهور، ۱۳۷۹ ش
۳. اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، تهران، نشر میزان، چاپ اول، تابستان ۱۳۷۷ ش
۴. رازی، ابوالفتح، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، ۱۳۷۴ ش
۵. راغب اصفهانی (ابوالقاسم الحسین بن محمد)، المفردات فی غریب القرآن، تهران، المكتبة المرتضویة، چاپ دوم، ۱۳۶۲ ش
۶. خسروشاهی، قدرت الله، فلسفه قصاص از دیدگاه اسلام، قم، بوستان کتاب قم، ۱۳۸۰ ش
۷. سپهری، محمد، زندان در اسلام، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع)، مرداد ۱۳۷۱ ش
۸. طباطبائی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، سید محمد باقر موسوی همدانی (مترجم)، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۳ ش
۹. طبرسی، شیخ ابو علی الفضل بن الحسن، تفسیر مجمع البیان، ابراهیم میرباقری، احمد بهشتی و... (مترجمان)، تهران، انتشارات فراهانی، چاپ اول، ۱۳۶۰ ش
۱۰. معلوف، لوئیس، المنجد عربی-فارسی، محمد بندر ریگی (مترجم)، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۸۷ ش